

الگوی شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)

سیدرضی سیدنژاد^۱

چکیده

شایسته‌سالاری به عنوان یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم حکمرانی، همواره در ادبیات سیاسی و مدیریتی جوامع مختلف مطرح بوده و نقشی محوری در تحقق عدالت، کارآمدی نظام و اعتماد عمومی دارد. در جهان معاصر که پیچیدگی‌های نظام‌های حکمرانی روزافزون شده، اهمیت این مفهوم نه تنها کاهش نیافته، بلکه به یکی از ارکان اساسی مدیریت تبدیل شده است. با این حال، آنچه نظام اسلامی را از دیگران متمایز می‌سازد، ریشه‌دار بودن این مفهوم در آموزه‌های ناب قرآنی و سیره معصومین (ع) است که در دوران معاصر، در اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به عنوان مرجع تفسیر حکمرانی اسلامی تبلور یافته است. این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، در پی تبیین الگوی شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی است که هم پاسخگوی نیازهای مدیریتی جامعه اسلامی باشد و هم ضامن حفظ ارزش‌های الهی و انقلابی؛ الگویی که بتواند همزمان از «جمود فکری (تجربگرایی)» و «جدایی دین از مدیریت (سکولاریسم مدیریتی)» پرهیز کند و مسیر تحقق آرمان‌های عدالت‌خواهانه انقلاب اسلامی را هموار سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد شایسته‌سالاری اسلامی بر پنج پایه قرآنی، سنتی، عقلی، فطری و کرامت انسانی استوار است و در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، شایستگی در سه بُعد «تخصص متعهدانه»، «تقوای عملی» و «انقلابی‌گری» تعریف می‌شود. همچنین، الگوی عملی شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی مبتنی بر گزینش سخت‌گیرانه، نظارت مستمر و خوداصلاحی مدیریتی طراحی شده است. این پژوهش بر ضرورت تلفیق کارآمدی و ارزش‌مداری در نظام مدیریتی تأکید دارد و الگویی بومی برای حکمرانی اسلامی ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: شایسته‌سالاری، حکمرانی اسلامی، امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مبانی قرآنی، الگوی مدیریتی.

^۱. پژوهشگر پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام؛

یکی از مفاهیم کلیدی که همواره در ادبیات سیاسی و مدیریتی جوامع مختلف مورد توجه قرار گرفته است، «شایسته‌سالاری» است. با گذشت زمان و پیچیده‌تر شدن ساختارهای حکمرانی، نه تنها از اهمیت این مفهوم کاسته نشده، بلکه ضرورت آن در نظام‌های سیاسی بیش از پیش احساس می‌شود؛ تا جایی که بسیاری از دولت‌ها و نظام‌های مدیریتی، شایسته‌سالاری را به عنوان یک شعار محوری و راهبرد کلان برای پیشبرد اهداف خود مطرح می‌کنند. غافل از اینکه شایسته‌سالاری حقیقی، ریشه در آموزه‌های ناب اسلامی دارد و در قرآن کریم و سیره معصومین (ع) به صورت جامع و نظام‌مند تبیین شده است. امروزه نیز این مفهوم در کلام و اندیشه‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان مرجع تفسیر حکمرانی اسلامی معاصر، مورد تأکید و پیگیری جدی قرار گرفته است.

اما واقعیت این است که برخی از مدعیان شایسته‌سالاری، یا شناخت درستی از مبانی و شاخص‌های حقیقی آن ندارند، یا آن را در چارچوبی تحریف‌شده و متناسب با اهداف سیاسی خود به کار می‌گیرند. در این میان، عده‌ای نیز با سوءاستفاده از این مفهوم ارزشی، در پی ترویج برداشت‌های ناقص و غیردینی از شایسته‌سالاری هستند؛ مانند تعریف شایستگی صرفاً بر اساس «تخصص گرایی سکولار» و نادیده گرفتن معیارهای ایمانی و اخلاقی که در اسلام بر آن تأکید شده است. این در حالی است که اگر شایسته‌سالاری از مسیر حقیقی خود منحرف شود و معیارهای الهی در آن نادیده گرفته شود، نه تنها به پیشرفت جامعه منجر نخواهد شد، بلکه ممکن است به عاملی برای تضعیف ارزش‌های اسلامی و ایجاد بحران در نظام حکمرانی تبدیل گردد.

از این‌رو، ضروری است که مفهوم اصیل شایسته‌سالاری، به همراه شاخص‌ها و الزامات عملی آن، به صورت دقیق و شفاف تبیین شود. این امر نه تنها به مسئولان نظام اسلامی در گزینش و انتصاب مدیران شایسته کمک می‌کند، بلکه زمینه سوءاستفاده جریان‌های انحرافی و معاند را از این مفهوم استراتژیک از بین خواهد برد. این نوشتار بر آن است تا با تکیه بر اندیشه‌های قرآنی و بیانات امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، حقیقت شایسته‌سالاری اسلامی را واکاوی نموده و الگویی عملیاتی برای تحقق آن در نظام حکمرانی ارائه دهد.

۱. مبانی مفهومی و دلالت‌های معناشناختی شایسته‌سالاری در گفتمان اسلامی

شایسته‌سالاری مرکب از دو واژه «شایسته» و «سالاری» است که درک دقیق آن مستلزم فهم اجزای تشکیل‌دهنده آن است. در لغت، «شایسته» به معنای لایق، سزاوار و برخوردار از صلاحیت است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹: ۱۴۳۲۱) و «سالاری» به معنی رهبری، مدیریت و سرپرستی آمده است (معین، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۸۹۵). در ادبیات سیاسی و مدیریتی، شایسته‌سالاری به نظامی اطلاق می‌شود که در آن مسئولیت‌ها و مناصب بر اساس شایستگی‌های واقعی و عینی افراد اعطا می‌گردد. منظور از شایسته‌سالاری، در نظر گرفتن معیارهای عقلانی و همچون تخصص، تعهد، تجربه، مهارت، توانایی و اخلاق حرفه‌ای در انتخاب افراد برای تصدی امور مدیریتی، کارشناسی و ارائه خدمات است.

در نقطه مقابل این رویکرد، نظام ناشایسته‌سالاری قرار دارد که در آن انتخاب افراد بر مبنای معیارهای غیرعقلانی مانند روابط فردی، خانوادگی، قومیتی، نژادی، زبانی، باندبازی، رابطه‌بازی و منزلت اجتماعی و طبقاتی صورت می‌پذیرد. این مفهوم با واژگانی چون «مدیریت بر مبنای شایستگی»، «گزینش بر اساس لیاقت» و «تخصص محوری» قرابت معنایی دارد و همگی بر این اصل تأکید دارند که تصدی مسئولیت‌ها باید بر اساس معیارهای عینی و شفاف صورت پذیرد.

در الگوی اسلامی شایسته‌سالاری، علاوه بر معیارهای عقلانی، مؤلفه‌های ارزشی مانند تقوا، عدالت‌محوری و ... نیز به عنوان ارکان اساسی در نظر گرفته می‌شود که این رویکرد را از الگوهای صرفاً تخصص‌محور غربی متمایز می‌سازد که علاوه بر افزایش کارآمدی نظام، به تضمین عدالت در نظام دینی، جلب اعتماد عمومی و جذب نخبگان کمک می‌نماید و توجه به آن یک الزام و اصل اساسی است که باید مبنای عمل حاکمان قرار گیرد. چنانکه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرمایند: «در همه نظامات جمهوری اسلامی، در قوه مجریه، در قوه مقننه، در قوه قضائیه، در نیروهای مسلح، در نهادهای گوناگون، این اصل شایسته‌سالاری باید رعایت شود. شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است (بیانات ۱۳۹۰/۷/۲۴)».

در حکمرانی اسلامی، شایستگی حقیقی تنها در ترکیب هماهنگ تخصص و تعهد محقق می‌شود؛ همان‌گونه که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) تأکید می‌کنند: «مدیر لایق کسی است که هم کاربلد باشد، هم متعهد. این دو باید با هم باشد. یک وقت بعضی خیال می‌کنند که اگر کسی متخصص است، دیگر تعهد لازم نیست؛ نه، اینجور نیست. یا اگر کسی متعهد است، تخصص لازم نیست؛ نه، اینجور نیست. هر دو لازم است (بیانات ۱۳۹۲/۰۳/۱۴)».

البته شایسته‌سالاری به معنای نادیده گرفتن تنوع سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها در مدیریت نیست. همانطور که مقام معظم رهبری تأکید فرموده‌اند: «شایسته‌سالاری به این معنا نیست که همه مدیران باید از یک جنس فکری باشند. تنوع آرا و سلیقه‌ها در چارچوب ارزش‌های اسلامی نه تنها مانعی ندارد، بلکه موجب پویایی نظام می‌شود. اما آنچه اهمیت دارد، التزام عملی به اصول نظام و داشتن صلاحیت‌های لازم برای تصدی مسئولیت است (بیانات ۱۳۹۵/۰۷/۲۲)».

در این میان، برخی با تفسیر نادرست از شایسته‌سالاری، آن را به «مدرک‌گرایی صرف» یا «تخصص‌محوری فارغ از ارزش‌های دینی» تقلیل می‌دهند. این در حالی است که شایسته‌سالاری اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآنی، ترکیبی هماهنگ از علم و اخلاق، تخصص و تعهد، و کارآمدی و ارزش‌مداری است.

از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، جمهوری اسلامی با نفی سه عامل «طاغوت، بیگانه و خان‌سالاری»، مبتنی بر آیه «وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ (زمر: ۱۷)»، شایسته‌سالاری را بر دو پایه مردم‌محوری (مشارکت عمومی در چارچوب صلاحیت‌ها) و الهی‌محوری (تطبیق معیارها با موازین قرآنی)، استوار می‌داند که در تقابل با نظام‌های لیبرال (مبتنی بر ثروت) و اشرافی (مبتنی بر نژاد) است (ر.ک. ۱۳۸۴/۲/۱۷).

۲. ضرورت‌سنجی شایسته‌سالاری: تحلیل کارکردی در حکمرانی دینی

توجه به اصل شایسته‌سالاری و قرار دادن افراد مناسب در جایگاه‌های متناسب با تخصص متعهدانه و توانایی‌شان، به طور مستقیم باعث افزایش کارایی، بهره‌وری و کیفیت عملکرد در سازمان‌ها و نهادها می‌شود. زمانی که افراد بر اساس تخصص و تجربه انتخاب شوند، نه تنها در انجام وظایف خود بهتر عمل خواهند کرد، بلکه راه‌حل‌های خلاقانه‌تر و مؤثرتری برای چالش‌ها ارائه می‌دهند. این امر در نهایت به پیشرفت اقتصادی، صنعتی، علمی و فرهنگی کشور منجر خواهد شد. از طرفی، وقتی مردم احساس کنند که افرادی با شایستگی و توانمندی واقعی (نه بر اساس رانت یا روابط) در جایگاه‌های مدیریتی قرار دارند، اعتماد بیشتری به تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های نظام خواهند داشت. این اعتماد، سرمایه اجتماعی ارزشمندی است که پشتوانه اصلی در ادامه حیات هر حکومتی محسوب می‌شود. همچنین عمل به این اصل، می‌تواند زمینه‌ساز جذب و حفظ استعدادها و سرمایه‌های انسانی در کشور و جلوگیری از فرار مغزها و تقویت بنیه علمی و مدیریتی کشور باشد؛ چراکه افراد با استعداد و انگیزه می‌دانند که فرصت رشد و خدمتگزاری بر اساس توانایی‌هایشان

وجود دارد، نه بر اساس روابط؛ لذا «وقتی که جوانها ببینند میتوانند وارد میدان کار بشوند و حرکت کنند و تصمیم گیری کنند، در کشور احساس انسداد به وجود نمی آید»، بلکه به برکت اصل شایسته سالاری، فرصت های برابر برای بروز استعداد های جوان و گشایش مسیر های پیشرفت فراهم می شود که خود به تولید امید و نشاط در جامعه خواهد انجامید.

آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در بیانات خود بر لزوم اجرای اصل شایسته سالاری در تمام سطوح حکومتی و مدیریتی تأکید جدی دارند؛ ایشان به مسئولان تأکید دارند که در انتخاب اعضای دولت، مدیران میانی، و دیگر نهادهای دولتی باید شایسته سالاری را مد نظر قرار دهند و از روابط خاص و شخصی پرهیز کنند؛ چرا که «در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت هاست. هر که صلاحیت دارد، باید در میدان های فعالیت و تلاش و مسؤولیت جلو برود؛ از هر نقطه کشور و از هر قشر اجتماعی باشد؛ و همه این ها با هدایت اسلام و الهام گیری از متون الهی و قرآنی صورت می پذیرد (بیانات ۱۳۸۴/۲/۱۷)». و در جای دیگر با استناد به نامه امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر، صراحتاً می فرمایند: «ثم انظر فی امور عمالک»؛ کارها و امور کارگزاران خودت را مورد توجه قرار بده. اول، انتخاب کارگزاران است؛ «فاستعملهم اختباراً»؛ با آزمایش آنها را انتخاب کن؛ یعنی نگاه کن بین چه کسی شایسته تر است. همین شایسته سالاری ای که امروز بر زبان ماها تکرار می شود، به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمومنین (ع) هم در این جا به آن سفارش می کنند. این بیان، تأکید بر انتخاب مدیران و کارگزاران، مبتنی بر تخصص متعهدانه و دوری از هر گونه سلیقه شخصی یا ملاحظات غیر مرتبط است. البته باید توجه داشت که فقط گزینش اولیه نمی تواند ملاک دوام به کارگیری باشد، بلکه در ادامه نیز باید از نظارت مستمر و ارزیابی منصفانه عملکرد کارگزاران بهره برد تا از ادامه حضور افراد ناکارآمد در پست های مدیریتی جلوگیری شود و مسیر برای شایستگان باز گردد. «بعد خصوصیات این افراد را ذکر می کند: اهل تجربه باشند، اهل حیا باشند و...؛ بعد می رسد به این جا که «ثم اسبق علیهم الارزاق»؛ وقتی کارگزار خوبی را انتخاب کردی، زندگی اش را تأمین کن (بیانات، ۱۳۸۴/۷/۱۷)». که این کلام امیرالمومنین (ع) و تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) نشان دهنده این نکته است که شایسته سالاری فقط به انتخاب محدود نمی شود، بلکه حمایت از کارگزاران شایسته و تأمین معیشت آنها برای جلوگیری از فساد احتمالی و افزایش تمرکز بر خدمت گذاری، از لوازم بهره گیری شایسته از شایستگان در دولت اسلامی است.

۳. پارادایم های بنیادین شایسته سالاری اسلامی

در منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی)، شایسته سالاری صرفاً یک تکنیک و روش مدیریتی نیست، بلکه تجلی گفتمان حکمرانی الهی است که در تقابل با رویکردهای سکولار، بر پنج بنیان معرفتی قرآن (به عنوان متن وحیانی و چارچوب هنجاری)، سنت معصومین (ع) (به مثابه الگوی عملی و تجربه تاریخی)؛ عقل سلیم (به عنوان ابزار انطباق با مقتضیات زمان)، فطرت انسانی (به عنوان گرایش ذاتی به حق جویی و عدالت طلبی)، کرامت انسانی (به عنوان محوریت ارزش مندی انسان در نظام اسلامی) استوار است. این پنج رکن در یک پیوند ارگانیک، الگویی جامع از حکمرانی اسلامی شایسته محور را شکل می دهند که غایت آن، تحقق عدالت اجتماعی در پرتو تعالی معنوی و تکریم انسان ها و تعالی معنوی جامعه است.

این مبانی در منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی) به گونه ای هماهنگ و نظام مند تلفیق شده اند که هر یک، دیگری را تکمیل و تقویت می کند. در این الگوی جامع، قرآن به عنوان چارچوب هنجاری، سیره معصومین (ع) به مثابه الگوی عملی، عقل به عنوان ابزار انطباق با شرایط زمانه، فطرت انسانی به عنوان بستر پذیرش حق طلبی و عدالت خواهی،

و کرامت انسانی به عنوان محور ارزش گذاری شایستگی ها عمل می کنند. ویژگی ممیزه این نظریه، تلفیق بدیع میان کارآمدی نظام مند و اصولگرایی ارزشی است که هم در تجربه چندین دهه انقلاب اسلامی محک خورده و هم پاسخگوی نیازهای پیچیده حکمرانی در عصر حاضر می باشد. امام خامنه ای (مدظله العالی) با اتکا به این مبانی، شایستگی را در منظومه ای سه بعدی تعریف می کنند که شامل «صلاحیت علمی»، «تقوای عملی» و «انقلابی گری» می شود. این نگاه، هم پاسخگوی نیازهای پیچیده حکمرانی در عصر حاضر است و هم وفاداری خود به اصول اصیل اسلامی را حفظ کرده است که در ادامه به صورت نظام مند به تحلیل این مبانی می پردازیم:

الف. قرآن، چارچوب هنجاری حکمرانی شایسته محور

قرآن کریم با طرح الگوهای متعددی از حکمرانی صالح، شایسته سالاری را به عنوان محوری ترین اصل مدیریت جامعه ترسیم می کند. در آیاتی چند همچون داستان حضرت یوسف (ع) که می فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)، یا انتصاب طالوت به فرماندهی که در آن «قُوَّةً وَأُوتِيَ زَيْدًا مِّنَ الْعِلْمِ» (بقره: ۲۴۷) معیار گزینش قرار گرفت، و نیز فرمایش حضرت شعیب (ع) که «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)، قرآن به روشنی نشان می دهد که نظام حکمرانی الهی باید بر پایه دو رکن «توانمندی علمی-تخصصی» و «تقوای الهی» استوار باشد. این آیات نه تنها معیارهای شایستگی را مشخص می کنند، بلکه الگوی عملیاتی برای نظام های مدیریتی در همه اعصار ارائه می دهند. قرآن با این رویکرد، شایسته سالاری را نه یک توصیه مدیریتی، بلکه «فرضیه ای الهی» معرفی می کند که رعایت آن ضامن عزت جامعه اسلامی و تخلف از آن موجب سقوط و انحطاط است.

امام خامنه ای (مدظله العالی) در تبیین شایسته سالاری حکومتی، همواره به آیات قرآنی استناد می کنند. برای نمونه، در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)، تأکید می کنند حکمرانی در اسلام بزرگترین امانت است و مسئولیت های حکومتی باید به اهل آن سپرده شود. اما اهل بودن فقط تخصص نیست، امانتداری و تقوا هم هست (ر.ک. بیانات ۱۳۹۸/۴/۵؛ ۱۳۹۶/۵/۱۲؛ ۱۳۹۳/۳/۴؛ ۱۳۷۷/۹/۲۳).

ایشان جمهوری اسلامی، را حکومت مردم و شایستگان بر محوریت و هدایت قرآن معرفی کرده می فرماید: «در جمهوری اسلامی، رسیدن به مقامات مؤثر در سلسله مراتب حکومتی، تابع صلاحیت هاست. هر که صلاحیت دارد، باید در میدان های فعالیت و تلاش و مسئولیت جلو برود؛ از هر نقطه ای کشور و از هر قشر اجتماعی باشد؛ و همه اینها با هدایت اسلام و الهام گیری از متون الهی و قرآنی صورت می پذیرد. این، معنای نظام جمهوری اسلامی است (۱۳۸۴/۲/۱۷).

ب. سنت و سیره معصومان (ع)، الگوی عملی مدیریت اسلامی

در سیره نظری و عملی معصومان (ع) شایسته سالاری و سپردن مسئولیت ها به افراد لایق مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه، در سیره نبوی تنها بزرگی و برتری شخص، معیار نیست، بلکه آن حضرت در کنار ایمان و تقوا و تعهد، مهارت و تخصص را نیز در نظر می گرفت و همواره در گزینش مسئولیت ها، افراد شایسته و کاردان را برمیگزید. برای نمونه، هنگام گزینش عتاب بن اسیر به فرمانداری مکه، به او گفت: «لَوْ أَعْلَمُ لَهُمْ خَيْرًا مِنْكَ اسْتَعْمَلْتُهُ عَلَيْهِمْ» (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۵۸)؛ اگر برای اداره مکه، بهتر از تو کسی را می شناختم، او را بر میگزیدم.

امیرمومنان علی(ع) در بیان ضرورت این امر در امور حکومتی خطاب به مالک اشتر می فرماید: «فَاعْمِدْ لِحَسَنِهِمْ كَأَن فِي الْعَامَةِ أَثَرًا، وَأَعْرِفِهِمْ بِالْأَمَانَةِ وَجْهًا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ کسی را برگزین که در میان مردم اثرش نیکوتر و در امانت داری معروف تر باشد.»

سیره نظری و عملی معصومین(ع) در انتصاب کارگزاران، به عنوان الگوی عینی شایسته سالاری اسلامی مورد توجه و استناد امام خامنه‌ای(مدظله العالی) قرار گرفته است. برای نمونه ایشان واقعه غدیر و انتصاب امیرمومنان علی(ع) را تنها یک رویداد تاریخی صرف نمی‌داند بلکه از آن به عنوان یک سند زنده و جاویدان الگوی حکمرانی شایسته در نظام اسلامی یاد می‌کند که با معرفی امیرالمؤمنین علی(ع) به عنوان ولی مسلمین از سوی پیامبر اکرم(ص)، معیارهای اساسی حکمرانی دینی را ترسیم می‌کند که می‌تواند یک الگوی فراموش نشدنی باشد(ر.ک. بیانات ۱۳۷۱/۳/۳۰).

معظم‌له در بیانی دیگر، با اشاره به سیره حکومتی امیرالمؤمنین(ع) در انتصاب مالک اشتر به استانداری مصر، تأکید می‌کنند که این انتخاب نه بر اساس روابط خانوادگی، بلکه مبتنی بر شایستگی‌های الهی و مدیریتی بوده است. این نگاه در سیره پیامبر اکرم(ص) نیز به وضوح قابل مشاهده است، آنجا که ایشان در اقدامی تحسین‌برانگیز، اسامه بن زید را در سن نوزده سالگی به فرماندهی سپاه اسلام منصوب فرمودند و در پاسخ به منتقدانی که جوانی سن او را مورد اعتراض قرار می‌دادند، صراحتاً اعلام کردند که کم بودن سن نمی‌تواند مانع به کارگیری افراد شایسته شود. از منظر معظم‌له، این نمونه‌های تاریخی از سیره نبوی و علوی، به خوبی نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، شایستگی حقیقی باید مقدم بر هرگونه ملاحظات ظاهری از جمله سن، جنسیت یا روابط شخصی قرار گیرد. امام خامنه‌ای(مدظله العالی) با تبیین این سیره نورانی، آن را به عنوان الگویی کاربردی برای نظام جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند و بر لزوم اجرای آن در تمام سطوح مدیریتی، از قوه مجریه و مقننه تا قضائیه و نیروهای مسلح تأکید می‌ورزند(ر.ک. بیانات ۱۳۹۷/۷/۲۴؛ ۱۳۸۷/۹/۲۷).

ج. عقل سلیم مبنای پویای حکمرانی

سومین پایه شایسته سالاری در اندیشه امام خامنه‌ای(مدظله العالی) بر بنیان‌های مستحکم عقلانی و ضرورت‌های حکومت داری در عصر حاضر استوار است. در فلسفه سیاسی اسلام، عقل سلیم به عنوان «حجت باطنی» مکمل «حجت ظاهری» (نص شرعی) عمل می‌کند (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۲۷)؛ این عقلانیت دو وجهی حکم می‌کند که برای تحقق اهداف نظام اسلامی - شامل حفظ مصالح جامعه، صیانت از ارزش‌ها و پیشرفت همه‌جانبه - می‌بایست مسئولیت‌های حکومتی به افرادی لایق و شایسته که واجد معیارهای ارزشی هستند واگذار شود. به همین ترتیب، باید از سپردن مسئولیت‌ها به افراد فاقد این شایستگی‌ها اجتناب نمود. ضرورت عمل به این اصل عقلی در احراز صلاحیت‌های عمومی و تخصصی، واقعیتی انکارناپذیر است که هم مورد تأیید خردمندان است و هم مورد اجماع عقلا. علاوه بر حکم عقل، سیره عملی عقلا در جوامع گوناگون نیز بر اصل گزینش استوار است. هرچند شاخص‌های صلاحیت و شایستگی بر اساس اصول ارزشی و تمدنی حاکم بر جوامع متفاوت است، اما اصل گزینش به خودی خود گواهی بر پذیرش عام این حکم عقلانی است. امام خامنه‌ای در اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «یکی از چیزهایی که قرآن و هدایت الهی به ما تعلیم داده است، تبعیت از داوری خرد و عقل انسانی است... یعنی پیروی از آنچه که عقل سلیم به آن حکم کند و قضاوت عقل پشت سر آن باشد، این هم یک امر قرآنی است، این هم امر دینی است(بیانات، ۱۳۹۲/۴/۱۹).

۱. «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةً ظَاهِرَةً وَحُجَّةً بَاطِنَةً: فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْإِنَّمَةُ (ع) وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ».

ایشان با استناد به عقل سلیم به عنوان یکی از مبانی حکمرانی اسلامی، تأکید می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی نمی‌تواند به صورت گزینشی تنها به یک یا چند بعد از اهداف خود (مانند عدالت یا معنویت) پردازد، بلکه باید همه‌جانبه‌نگری را سرلوحه کار قرار دهد. ایشان تصریح می‌کنند: «کسانی که شایسته‌سالاری یا مردم‌داری را نادیده بگیرند، اشتباه می‌کنند» (بیانات ۱۳۸۲/۹/۲۵).

این سخن نشان می‌دهد که شایسته‌سالاری نه تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه ضرورتی عقلانی برای پایداری نظام اسلامی است؛ چرا که بی‌توجهی به آن، منجر به اختلال در تحقق سایر اهداف حکومت می‌شود. از سوی دیگر اگر بخواهد تحولی در این عرصه دیگر عرصه‌ها اتفاق بیفتد ابزار آن بهره‌گیری از قدرت عقل و ایمان است (ر.ک. بیانات ۱۴۰۳/۱۱/۹).

د. فطرت انسانی بستر پذیرش ذاتی حکمرانی اسلامی

فطرت انسانی که بر اساس آیه شریفه «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) در نهاد بشر به ودیعه نهاده شده، به طور ذاتی اقتضای نظام شایسته‌سالاری را در مدیریت جامعه طلب می‌کند. این فطرت الهی که امام خمینی (ره) آن را «عشق به کمال مطلق» می‌خوانند (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۳۸۸: ۱۸۳)، انسان را ناخودآگاه به سمت تشخیص و انتخاب شایسته‌ترین‌ها سوق می‌دهد و او را به پذیرش نظامی مبتنی بر شایستگی‌های واقعی فرا می‌خواند. در حقیقت، شایسته‌سالاری تجلی اجتماعی همین فطرت پاک انسانی است. وقتی انسان در مقام انتخاب مسئولان و مدیران جامعه قرار می‌گیرد، فطرت الهی او به طور طبیعی به دنبال کسانی می‌گردد که واجد صلاحیت‌های اخلاقی و تخصصی باشند. البته این فطرت الهی ممکن است تحت تأثیر عوامل محیطی یا هواهای نفسانی به انحراف کشیده شود، همان‌گونه که در برخی نظام‌های مدیریتی شاهد تبعیض و رابطه‌سالاری هستیم. اما نفس وجود چنین فطرتی در انسان، بهترین دلیل بر ضرورت شایسته‌سالاری است. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با درک این حقیقت قرآنی، همواره بر گزینش مدیران بر اساس شایستگی‌های واقعی تأکید کرده‌اند، چرا که این روش، همسو با فطرت الهی انسان‌هاست و زمینه رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌آورد. ایشان در بیانی می‌فرمایند: «نظام اسلامی آرمانهایش غیرقابل تغییر است؛ علت این است که آرمان‌ها، آرمان‌های فطری است. نگاه به این آرمان‌ها، نگاه هوس‌گونه و از سر هوس گذرا نیست؛ بلکه نیاز طبیعی و جوشیده‌ای از فطرت انسان است. نیاز به عدالت، نیاز به آزادی، نیاز به پیشرفت، نیاز به رفاه عمومی، نیاز به خلقت‌های عالی، اینها نیازهای فطری انسان است» (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴). این فطرت الهی، انسان را ناخودآگاه به سمت تشخیص و انتخاب شایسته‌ترین‌ها سوق می‌دهد و نظامی مبتنی بر شایستگی‌های واقعی را طلب می‌کند.

ه. کرامت انسانی، محور ارزشی

کرامت ذاتی انسان که در آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) به آن تصریح شده، بنیاد محکمی برای نظام شایسته‌سالاری اسلامی فراهم می‌آورد. این کرامت الهی که شامل تمامی ابنای بشر می‌شود و اختصاص به گروه یا طبقه خاصی ندارد، اقتضا می‌کند که در نظام حکمرانی اسلامی، همه انسان‌ها به اندازه استعدادها و توانمندی‌های واقعی خود مورد توجه قرار گیرند. همان‌گونه که خداوند متعال با دمیدن روح خود در انسان و قرار دادن او به عنوان خلیفه‌الله در زمین، این کرامت را به او عطا فرموده، نظام مدیریتی جامعه نیز باید بر مبنای احترام به این شأن والای انسانی استوار باشد.

در حقیقت، شایسته‌سالاری تجلی عملی همین کرامت ذاتی است. وقتی انسان را موجودی دارای شرافت و ارزش ذاتی بدانیم، طبیعی است که در نظام مدیریتی نیز باید بر اساس شایستگی‌های واقعی با او رفتار شود. این همان اصلی است که در سیره پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به وضوح مشاهده می‌شود؛ آنجا که بر اساس توانایی‌ها و صلاحیت‌های افراد به آنان مسئولیت می‌سپردند، نه بر اساس نسب و قومیت. امام خامنه‌ای با تأکید بر این اصل قرآنی، همواره بر لزوم رعایت شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه تأکید کرده‌اند، چرا که هرگونه تبعیض یا رابطه‌سالاری، نادیده گرفتن همین کرامت ذاتی انسان‌هاست.

البته این کرامت ذاتی با کرامت اکتسابی که از طریق ایمان و عمل صالح به دست می‌آید تکمیل می‌شود. نظام شایسته‌سالاری اسلامی ضمن احترام به کرامت ذاتی همه انسان‌ها، به دنبال شناسایی و پرورش افرادی است که با تلاش و مجاهدت، این کرامت را در خود شکوفا ساخته‌اند. این همان نگاه متوازنی است که امام خامنه‌ای در مدیریت جامعه اسلامی بر آن تأکید دارند؛ نگاهی که هم از افراط‌گرایی (نادیده گرفتن استعدادها و ذاتی) پرهیز می‌کند و هم از تفریط (بی‌توجهی به تلاش‌های اکتسابی) دوری می‌جوید. این نگاه کرامت‌محور، شایسته‌سالاری را از سطح یک «روش مدیریتی» به «تکلیف دینی» ارتقاء می‌دهد. همانگونه که ایشان به صراحت تأکید فرموده‌اند: «نظام اسلامی معتقد به کرامت انسان است؛ انسان ب‌ماهو انسان، نه انسان فلان منطقه، انسان فلان نژاد، انسان فلان رنگ. و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما بنی آدم را تکریم کردیم؛ این قرآن است؛ سیاه منطقه سیاه‌پوست هم بنی آدم است؛ هیچ فرقی ندارد. این منطق تبعیضی که غربی‌ها این منطق را به شکل فضاحت‌باری گسترش دادند و عمل کردند و تا امروز هم دارند ادامه می‌دهند، صد درصد ضد قرآن و ضد اسلام است؛ نظام اسلامی با این مخالف است (بیانات، ۱۴۰۲/۵/۲۶).

این بیان روشنگرانه، تأکیدی است بر اینکه شایسته‌سالاری در نظام اسلامی باید فارغ از هرگونه تبعیض نژادی، منطقه‌ای یا قومی باشد.

۴. الگوی شایستگی‌سنجی در مدیریت اسلامی

شایسته‌سالاری به عنوان یک اصل کلیدی در مدیریت منابع انسانی، مستلزم رعایت معیارهای عادلانه و شفاف در گزینش و ارتقای افراد است. شناسایی و تبیین شاخصه‌های شایستگی در حکمرانی اسلامی مستلزم کشف نظام‌مند معیارهایی است که همسو با مبانی معرفتی اسلام، قابلیت تحقق عملی در ساختارهای مدیریتی معاصر را داشته باشد. این شاخص‌ها که از دل آیات قرآن کریم و سیره معصومین (ع) استخراج می‌شوند، در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) به صورت الگویی جامع تبیین شده‌اند. ایشان با تأکید بر اصل شایسته‌گزینی به عنوان مبنای تحولات اسلامی، تصریح می‌فرمایند: «شایسته‌گزینی؛ گزینش باید بر طبق معیارها و صلاحیت‌ها باشد، نه بر طبق امیال و چیزهای شخصی. این در اسلام خودش یک اصل است. تمام این تغییرها و تبدیل‌هایی که در اسلام وجود دارد، بر اساس این است (بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۴)». این بیان مهم، سه بُعد کلیدی «صلاحیت تخصصی»، «تقوای عملی» و «التزام انقلابی» را در منظومه‌ای منسجم در هم می‌تنید. اهمیت این شاخص‌گذاری زمانی آشکار می‌شود که بدانیم تمایز اصلی حکمرانی اسلامی با سایر نظام‌های مدیریتی، در همین ترکیب منحصر به فرد دانش، اخلاق و ارزش‌مداری است که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) آن را به عنوان اصل اساسی تغییرات اسلامی معرفی می‌نمایند. در این بخش با روشی تحلیلی-تفسیری و با استناد به آیات قرآن و بیانات مستند رهبر انقلاب، شاخصه‌های عینی و کاربردی شایستگی را مورد واکاوی قرار می‌دهیم؛ شاخص‌هایی که ریشه در مبانی دینی داشته و در عین حال قابلیت اجرا در ساختارهای مدیریتی معاصر را دارا می‌باشند.

در منظومه حکمرانی اسلامی، شایستگی‌های علمی و تخصصی به عنوان پایه‌ای‌ترین شرط مدیریت شایسته، ریشه در نص صریح قرآن کریم دارد. آیه شریفه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) به روشنی بر جایگاه رفیع علم و تخصص در نظام ارزشی اسلام تأکید می‌ورزد. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استناد به این مبانی قرآنی، تخصص‌گرایی را نه به عنوان رویکردی سکولار، بلکه به مثابه تکلیفی دینی و شرط لازم برای تحقق «حکمرانی صالح» مطرح می‌کنند. این نگاه قرآنی به شایستگی‌های تخصصی، در عمل به معنای نفی هرگونه محدودیت غیرمنطقی در انتخاب مدیران است. یعنی معیار اصلی در انتصاب مدیران، شایستگی حقیقی است نه جنسیت یا سایر ویژگی‌های ظاهری.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با نقد رویکردهای کمی غربی که به صورت مصنوعی سعی در ایجاد توازن جنسیتی دارند، تأکید می‌کنند که در نظام اسلامی، زمانی که یک بانوی متخصص و کارآمد از صلاحیت بیشتری برخوردار باشد، باید به مسئولیت گمارده شود؛ نه به عنوان سهمیه جنسیتی، بلکه به عنوان تجلی واقعی شایسته‌سالاری اسلامی. این اصل هم در انتصابات کلان مانند وزارت و هم در سطوح مختلف مدیریتی جاری است (ر.ک. بیانات ۱۴۰۲/۱۰/۶). برخی از مهم‌ترین شاخصه‌های کلیدی در این حوزه عبارتند از:

۱) توانمندی و کارآمدی

در نظام شایسته‌سالاری اسلامی، توانایی به عنوان یکی از ارکان اساسی مدیریت صالح شناخته می‌شود که قرآن کریم در آیه «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶) به آن تصریح دارد. منظور از «قوی» در این آیه صرفاً توانایی جسمانی نیست، بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌های مدیریتی شامل قدرت برنامه‌ریزی، مهارت در سازماندهی، توانایی بسیج نیروها و قابلیت اجرای بهینه مسئولیت‌هاست.

امام علی (ع) نیز در خطبه ۱۷۳ نهج‌البلاغه با عبارت «أَحَقُّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ» بر این جنبه از شایستگی تأکید می‌ورزد. حضرت در بیانی خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «برای هر یک از مسئولیت‌ها و مدیریت‌ها افرادی را بگمار که بزرگی و سنگینی کارها، او را وامانده نکرده و زیادی کارها او را خسته و پریشان نسازد (همان، نامه ۵۳).»^۱

سیره عملی پیشوایان دینی نیز همواره بر این بوده که در انتخاب کارگزاران، توانایی آنها را لحاظ می‌کردند و اگر فردی توانایی لازم را نداشت - علیرغم صالح بودن- او را بر کار نمی‌گماردند. برای نمونه رسول‌خدا (ص) خطاب به ابوذر می‌فرماید: «ای ابوذر! من آن قدر تو را دوست دارم که هر چه برای خود می‌پسندم برای تو هم همان را می‌پسندم اما تو را برای مدیریت ضعیف می‌بینم. تو نمی‌توانی به دو نفر امر و نهی و مدیریت کنی و نمی‌توانی سرپرست اموال یتیمان را عهده‌دار شوی (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲: ۴).»^۲

امیرمؤمنان علی (ع) نیز وقتی محمد بن ابی‌بکر را در مقابله با فتنه‌های عمرو عاص کم توان دید، علیرغم این که او در دامان پرمهر حضرت تربیت شده بود و حضرت علاقه فراوانی به ایشان داشت، وی را از ولایت مصر عزل کرد و مالک اشتر را به جای او منصوب نمود (ر.ک. نهج‌البلاغه، نامه ۳۴).

۱. «وَأَجْعَلْ لِرَأْسِ كُلِّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِكَ رَأْسًا مِنْهُمْ لَا يَقْهَرُهُ كِبَرُهَا وَلَا يَشْتَتُ عَلَيْهِ كَثِيرُهَا».

۲. «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنِّي أَحْبَبْتُ لَكَ مَا أَحْبَبْتُ لِنَفْسِي إِنِّي أَرَاكَ ضَعِيفًا فَلَا تَأْمُرَنَّ عَلَى اثْنَيْنِ وَلَا تَوَكِّلَنَّ مَالَ يَتِيمٍ».

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز با استناد به این مبانی، بارها تأکید کرده‌اند که پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی بدون داشتن توانمندی، تدبیر و قدرت مدیریت، می‌تواند به ناکارآمدی و آسیب به جامعه منجر شود. «به همین جهت هم هست که اگر کسی واقعاً در بخشی از بخش‌های کشور احساس می‌کند که کفایت لازم برای این کار را ندارد، معلوم نیست که پذیرش آن کار، مشروع باشد. چون قبول این کار، به معنای این است که تعهد کند و بپذیرد که این کار را به انجام برساند. این، بدون کفایت و لیاقت، امکانپذیر نیست (بیانات ۱۳۷۲/۵/۱۲)». بنابراین از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دولت اسلامی، نیازمند کارگزارانی است که با کفایت و کارآمدی، توانایی پیشبرد اهداف نظام اسلامی را داشته باشند و با برنامه‌ریزی دقیق و استفاده بهینه از منابع، مسائل کشور را به صورت مؤثر حل کند (ر.ک. بیانات ۱/۱/۱۳۹۶).

۲) دانش تخصصی و مهارت‌های فنی

این شاخص که بر ضرورت دانش تخصصی، آگاهی از آخرین دستاوردهای علمی و تسلط نظری بر حوزه مسئولیت تأکید می‌ورزد. به عنوان مؤلفه مکمل توانایی در نظام شایسته‌سالاری اسلامی، ریشه در آیه «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴) و آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷) دارد؛ چرا که پایه اصلی قدرت و قوت بر انجام مسئولیت، آگاهی کافی و تخصص در این زمینه است. البته منظور از آگاهی و علم در اینجا، آن نوع علم و آگاهی است که با گردش کار مدیر و مسئول پیوند داشته، و در حوزه مأموریت او اثر می‌گذارد. در حقیقت، یک مسئول و مدیر شایسته کسی است که حوزه مأموریت خود را به خوبی بشناسد، از انگیزه‌ها با خبر باشد، در برنامه‌ریزی مسلط و از ابتکار سهم کافی و در تنظیم کارها مهارت لازم داشته باشد، هدف‌ها را روشن کند و نیروها را برای رسیدن به هدف بسیج نماید و در عین حال دلسوز و خیرخواه و امین و درستکار باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۶: ۶۶).

امام علی (ع) با تأکید بر تلفیق توانمندی عملی با علم و آگاهی در چارچوب ارزش‌های الهی، می‌فرماید: «... وَأَعْلَمَهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳)؛ ای مردم! سزاوارترین مردمان به امر خلافت و پیشوایی ... داناتریشان به فرمان خدا در زمینه آن است.»

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز با الهام از این مفاهیم قرآنی و علوی، تخصص را «ارزش حقیقی» برای حکمرانی و نظام اسلامی می‌داند و با استناد به داستان طالوت در قرآن (بقره: ۲۴۷-۲۴۹)، معیارهای شایسته‌سالاری الهی را در تقابل با معیارهای مادیگرایانه دنیاپرستان ترسیم می‌کند. ایشان در تحلیل این آیات به نقد «ملاک‌های ظاهربینانه قدرت‌طلبان» می‌پردازند که تنها ثروت و جایگاه اجتماعی را ملاک برتری می‌دانند، درحالی که قرآن کریم «اصطفاء الهی» را بر پایه دو عنصر کلیدی گستردگی دانش و بینش و توانمندی جسمی و مدیریتی معرفی می‌کند (ر.ک. خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۸: ۲۴۲).

از سوی دیگر هشدار می‌دهند که هم افراط در تخصص‌گرایی بدون تعهد و هم تفریط در بی‌اعتنایی به تخصص، به نظام ضربه می‌زند: «ما در زمینه‌های مختلف جهت ساختن مملکت به نیروهای متخصص احتیاج داریم و این تخصص باید با تعهد توأم باشد اما در زمینه تخصص و تعهد افراط و تفریط جایز نیست و این باید مورد توجه قرار بگیرد. این خطاست که ما برای درس خواندن و کسب تخصص ارزش قائل نشویم چون اگر نیروی کارآمد در جامعه نباشد، قطعاً انقلاب به انحراف کشیده می‌شود و لذا تخصص را باید یک ارزش حقیقی بدانیم. اگر ما نقش متقابل تعهد و تخصص را نادیده بگیریم به انقلاب ضربه زده‌ایم (حبی، ۱۳۹۰: ۶۷)»

ایشان در بیانات متعدد تأکید دارند که کارگزاران نظام باید با آگاهی و تخصص لازم در حوزه‌های خود، به حل مسائل کشور بپردازند و از تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی پرهیز کنند. البته باید توجه داشت که توجه به تخصص و کارشناسی صرف در کارگزاران دولت اسلامی صحیح نیست، بلکه «هم تأکید بر تقوا و طهارت مسئولان است هم تأکید بر کارشناسی و کاربلدی مسئولان (ر.ک. بیانات ۱۴۰۱/۳/۱۴)».

این نگاه جامع که هم به کارآمدی نظام می‌انديشد و هم به حفظ ارزش‌های الهی پایبند است، الگویی متوازن از شایسته‌سالاری اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند جامعه را از آفت‌های مدیریت ناکارآمد مصون بدارد. همانگونه که قرآن کریم و سیره معصومین (ع) نشان می‌دهند، تخصص زمانی ارزشمند است که در خدمت اهداف الهی قرار گیرد و این همان پیام اصلی امام خامنه‌ای در تبیین شاخص‌های مدیریت اسلامی است.

۳) حکمت و خردگرایی

حکمت به معنای درک عمیق واقعیت‌ها و اتخاذ تصمیمات سنجیده بر اساس تحلیل شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (ر.ک. بیانات ۱۳۸۷/۰۶/۱۹؛ ۱۳۹۰/۴/۹). در نظام شایسته‌سالاری اسلامی، حکمت و خردگرایی به عنوان یکی از ارکان اساسی مدیریت مطلوب شناخته می‌شود که ریشه در آیات قرآنی همچون: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ» (بقره: ۲۶۹) و «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ» (نحل: ۱۲۵) دارد. این شاخص بر ضرورت کار کارشناسی، مطالعه دقیق و ملاحظه همه جانبه آثار و تبعات تصمیمات حکومتی تأکید می‌ورزد.

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استناد به این مبانی قرآنی، ضرورت این شاخص را اینگونه تبیین می‌فرماید: «شاخص دیگر، مسئله حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار کارشناسی، مطالعه درست، ملاحظه جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی می‌گذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد می‌کند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان می‌رسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریت‌ها و در کارها است (بیانات ۱۳۹۲/۶/۶)».

ب. شایستگی‌های اخلاقی

در منظومه حکمرانی اسلامی، شایستگی‌های اخلاقی به عنوان روح حاکم بر مدیریت صالح، ریشه در نص صریح قرآن کریم و سنت معصومین (ع) دارد. آیه شریفه «وَالَّذِينَ يَمَسْكُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ» (اعراف: ۱۷۰)، به روشنی بر پیوند ناگسستنی بین التزام عملی به احکام الهی و کارآمدی نظام حکمرانی تأکید می‌ورزد. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استناد به این مبانی قرآنی و با الهام از سیره حکومتی امیرالمؤمنین (ع)، اخلاق و تقوای عملی را نه به عنوان فضیلتی فردی، بلکه به مثابه «سازه‌ای نهادی» و ضامن اجرایی حکمرانی عادلانه تبیین می‌فرماید که وجه امتیاز حکمرانی اسلامی است و گسترش آن موجب ایجاد حیاتی متفاوت در جامعه خواهد شد (ر.ک. بیانات ۱۳۷۴/۷/۲۵).

این نگاه جامع به شایستگی‌های اخلاقی، در عمل به معنای نفی هرگونه انحراف از مسیر خدمت‌گزاری و ایجاد نظامی پاسخگو است. بر اساس اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مهم‌ترین شاخصه‌های کلیدی در این حوزه عبارتند از:

۱) ایمان و التزام به ارزش‌های دینی

در نظام شایسته‌سالاری اسلامی، تدین و ایمان عمیق به عنوان اساس صلاحیت مدیران شناخته می‌شود. این شاخص که تفاوت ماهوی مدیریت اسلامی با سایر الگوهای مدیریتی را شکل می‌دهد، در اندیشه رهبر معظم انقلاب به عنوان پیش‌شرط اساسی برای پذیرش هرگونه مسئولیت حکومتی مطرح شده است. ایشان تصریح می‌فرمایند: «رکن اصلی، تدین است؛ یعنی اعتقاد به اسلام و به اصول و پایه‌های دینی و عامل بودن به این‌ها. این، اساس قضیه است (ر.ک. مصاحبه ۱۳۷۱/۲/۱۷)».

معظم‌له در بیانی دیگر می‌فرماید: «یکی از الزامات، مدیریت کارآمد و متعهد و متدین است (بیانات ۱۳۹۶/۱/۱)». «این خیلی مهم است. ... بگردید متدین‌ها را انتخاب کنید. به صرف ادعا، اکتفا نکنید. فردی را که می‌خواهید برگزینید، باید متدین باشد. متدین که شد، آن‌وقت انسان احساس خاطر جمعی می‌کند (بیانات ۱۳۷۵/۱/۲۸)».

این دیدگاه ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد که بر ضرورت تدین و اعتقاد به آموزه‌های دینی در مدیریت تأکید می‌ورزد: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)». علاوه بر این، قرآن مجید درباره پیامبر اکرم (ص) به عنوان بزرگ راهبر اسلام و الگوی کامل هدایتگری، بر روی این شاخصه حضرت تکیه می‌کند و می‌فرماید: «أَمَّا الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ...» (بقره: ۲۸۵)؛ پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است و ...»

امیرمؤمنان علی (ع) نیز در معرفی مالک اشتر بعد انتصاب او به فرمانروایی مصر، بر این شاخص تکیه می‌کند و می‌فرماید: «من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم، که در روزهای وحشت، نمی‌خوابد، و در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند، بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است، او مالک پسر حارث مذجی است (نهج البلاغه، نامه ۳۸)».^۱ لازم به ذکر است در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، تدین مفهومی فراتر از انجام مناسک فردی دارد و به عنوان محرک خدمت‌رسانی و ضامن سلامت نظام اداری تعریف می‌شود. ایشان در تحلیل ویژگی‌های مدیران تراز انقلاب، ایمان و تدین را همراه با کارآمدی و روحیه جهادی، سه رکن اساسی شایستگی معرفی می‌کنند. این نگرش نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، مدیر متدین کسی است که هم از شایستگی‌های حرفه‌ای برخوردار باشد و هم در عمل به ارزش‌های دینی پایبند باشد. همان‌گونه که ایشان تأکید می‌کنند: «هر جا مدیریت‌های متعهد، مؤمن و دلسوز بر سرکار بودند و با عقل و درایت و ایمان و تعهد نسبت به مردم و نظام اسلامی کار کردند، ما توفیق پیدا کردیم (بیانات ۱۳۸۰/۴/۱۰)».

این دیدگاه جامع که برگرفته از تعالیم اسلامی است، نشان می‌دهد التزام عملی به ارزش‌های دینی نه تنها شرط لازم برای مدیریت شایسته است، بلکه زمینه‌ساز تحقق اهداف متعالی نظام اسلامی می‌باشد. مدیر متدین در این چارچوب، همزمان

۱. «بَعْدُ فَقَدْ بَعَثْتُ إِلَيْكُمْ عَبْدًا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَا يَنَامُ أَيَّامَ الْخَوْفِ وَلَا يَنْكُلُ عَنِ الْأَعْدَاءِ سَاعَاتِ الرُّوحِ أَشَدَّ عَلَى الْقُجَّارِ مِنْ حَرِيقِ النَّارِ وَهُوَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ أَخُو مَذْحِجٍ».

هم مجری کارآمد سیاست‌هاست و هم پاسدار ارزش‌های انقلابی، که این دو ویژگی در کنار هم می‌تواند نظام مدیریتی کشور را به سمت پیشرفت و تعالی هدایت کند.

۲) تقوا و خودکنترلی

در نظام شایسته‌سالاری اسلامی، تقوا به عنوان خط قرمز تمایز بین «حکمرانی الهی» و «حکمرانی طاغوتی» شناخته می‌شود. این شاخص کلیدی که در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) جایگاهی محوری دارد، ضامن حفظ سلامت نظام اداری و انقلابی است. ایشان با هشدار جدی تصریح می‌فرمایند: «هرگاه روشمان همانند طاغوت شود، با او فرقی نداریم (بیانات ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)». این دیدگاه ریشه در آیه شریفه «وَسَكُنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا (ابراهیم: ۱۳)» دارد که از همسان‌پنداری با ستمگران نهی می‌کند.

در منظومه فکری رهبر انقلاب، تقوا سه حوزه حیاتی حفظ بیت‌المال، پرهیز از اشرافی‌گری و خویش‌ثمن‌داری و مقاومت در برابر طغیان نفس و هواهای شیطانی را در بر می‌گیرد که تلفیق آنها شرط لازم برای تحقق شاخص «امین» در آیه «إِنْ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوَى الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶) است. چنین تقوایی هم مانع تبدیل تخصص به ابزار سلطه می‌گردد و هم ضامن اجرای عدالت در نظام حکمرانی خواهد بود.

۳) امانت‌داری و درستکاری

امانت‌داری نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه شرط اساسی برای تصدی مسئولیت‌های حکومتی و اجتماعی به حساب می‌آید. این اصل، پایه‌ای برای جلوگیری از فساد، تضمین عدالت و تحقق حکمرانی مطلوب در جامعه اسلامی است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که سپردن مسئولیت‌ها به دو گروه «متخصصان خائن و آگاهان نادرست» و «درستکاران ناآگاه و غیرمدیر» به یک اندازه برای نظام سیاسی ویرانگر بوده است. اسلام با درک این خطر، الگویی جامع ارائه می‌دهد که در آن «علم و تقوا» به صورت توأمان شرط تصدی مسئولیت‌هاست. همان‌گونه که در نظام قضایی و مرجعیت، شرط «اجتهاد و عدالت» به صورت همزمان مورد تأکید قرار گرفته است. این نگاه دو بعدی از یک سو مانع از آن می‌شود که افراد ناآگاه با حسن نیت صرف، موجب اختلال در نظام مدیریتی شوند، و از سوی دیگر از به کارگیری افراد عالم اما فاسد جلوگیری می‌کند. قرآن کریم با دستور

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ (نساء: ۵۸)؛ و در سوره قصص با بیان معیار «القوی الامین» (توانمندی همراه با امانتداری) این اصل کلیدی را تثبیت کرده است (ر.ک. قصص: ۲۶). در سوره یوسف نیز به شکل دیگری و تحت عنوان «حفیظ» بودن، روی این معیار تکیه کرده است؛ هنگامی که عزیز مصر از «یوسف» دعوت کرد که در کشور مصر عهده‌دار پست مهمی شود تا مردم را در سال‌های قحطی شدید که انتظار آن می‌رفت، از خطرات حفظ کند، یوسف گفت: «إِجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵)؛ مرا سرپرست خزائن کشور کن به دلیل این که هم امانت دارم و هم آگاهم!

تحلیل سقوط تمدن‌ها و حکومت‌های تاریخی نیز مؤید این واقعیت است که علت اصلی زوال، غالباً یا ناشی از حاکمیت خائنان عالم بوده یا نتیجه مدیریت پاکان ناتوان. بنابراین، نظام اسلامی با تأکید بر تلفیق علم و تقوا به عنوان شاخص‌های امانتداری، الگویی کارآمد برای حکمرانی شایسته ارائه می‌دهد که هم از فساد سیستماتیک جلوگیری می‌کند و هم از ناکارآمدی مدیریتی پیشگیری می‌نماید.

بر اساس دیدگاه‌های امام خامنه‌ای (مدظله العالی) عملکرد کارکنان و مدیران سطوح میانی و محلی حکومت، به عنوان نمایندگان عینی نظام در چشم مردم، به صورت مستقیم بر برداشت عمومی از کارآمدی و سلامت کل سیستم حکمرانی تأثیر می‌گذارد. زمانی که این مسئولان با امانتداری، دلسوزی و کارآمدی به وظایف خود عمل کنند، این تصویر مثبت به کل ساختار حکومت تعمیم داده می‌شود. در مقابل، هرگونه کوتاهی یا انحراف در عملکرد آنان می‌تواند به سرعت به برداشت منفی از کلیت نظام منجر شود، بدون آنکه امکان کنترل این ارزیابی عمومی وجود داشته باشد (ر.ک. بیانات ۱۳۷۲/۵/۱۲).

این نگاه تحلیلی نشان می‌دهد که در حکمرانی اسلامی، سلامت و کارآمدی کارگزاران نه تنها یک مسئله اجرایی، بلکه عاملی تعیین کننده در مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی محسوب می‌شود. از این رو، گزینش و نظارت بر عملکرد این قشر از مدیران باید با حساسیت ویژه‌ای صورت پذیرد، چرا که آنان حلقه ارتباطی مستقیم بین حکومت و مردم به شمار می‌آیند.

۴) ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافیت

در نظام ارزشی اسلام، ساده‌زیستی و پرهیز از اشرافی‌گری به عنوان شاخصی اساسی در حکمرانی شایسته، ریشه در آیات متعدد قرآن کریم و سنت و سیره معصومین (ع) دارد (ر.ک. حجر: ۸۸؛ طه: ۱۳۱؛ توبه: ۵۵؛ هود: ۱۵ و ۱۶؛ حدید: ۲۰ و نهج البلاغه، نامه ۵۳ و ...).

تحلیل و بررسی این آموزه‌های دینی نشان می‌دهد ساده‌زیستی تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه شرط لازم برای تحقق «حکومت صالحان» است که در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء بدان اشاره شده است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) با الهام از این آیات، از ساده‌زیستی به عنوان یکی از شاخصه‌های مهم کارگزاران در نظام اسلامی یاد می‌کنند و می‌فرمایند: «شاخص بعدی، توجه به ساده‌زیستی است... این شعار، شعار بسیار مهمی است؛ این را نباید دست کم گرفت (بیانات ۸/۶/۱۳۸۴). (چرا که) «اشرافی‌گری و گرایش به اشرافی‌گری، یک ضد ارزش است (بیانات، ۱۳۸۷/۹/۲۴)».

ایشان با نقد رویکردهای اشرافی‌گرایانه که در طول تاریخ موجب انحراف حکومت‌ها شده است، تأکید می‌کنند که در نظام اسلامی، مسئول واقعی کسی است که «در پی کسب محبوبیت، دنبال تمتعات دنیوی و پرداختن به اشرافی‌گری و تجملات نباشد» و پیوند ناگسستنی خود را با اقشار مختلف جامعه حفظ کند (ر.ک. بیانات ۱۴/۳/۱۳۹۰). چرا که وقتی اشرافی‌گری در قلعه‌های یک جامعه به وجود آید در نهایت سرریز به بدنه جامعه خواهد شد و مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف سوق خواهد داد (ر.ک. بیانات ۱۱/۵/۱۳۹۵؛ ۱۳۸۸/۲/۲۲).

۵) عدالت‌ورزی و انصاف

عدالت عامل قوام و پایداری و پیشرفت و تعالی هر جامعه و مطلوب و مورد خواست همه انسان‌هاست. چنانکه محور اصلی مطالبات مردم نیز ظلم‌ستیزی، مبارزه با فساد و عدالت‌خواهی بود. بی‌شک مسئولیت تحقق این مطالبه، بیش از همه، بر عهده رهبران و مسئولان جامعه است. بنابراین، یکی از شاخصه‌های شایستگی در حکمرانی اسلامی که در قرآن کریم

بر آن تصریح شده است، عدالت محوری و ظلم نکردن است (ر.ک. بقره: ۱۲۴). اقرآن کریم با صراحت همه مسلمانان را مخاطب قرار داده، و دعوت به (اقامه کامل عدل) می کند و هر نوع ملاحظه کاری را در زمینه اجرای اصول عدالت، حتی در مورد نزدیک ترین نزدیکان، ممنوع می شمارد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ (نساء: ۱۳۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد!»

در روایت نیز وارد شده است که: «برترین مدیران و فرماندهان کسی است که سه خصلت داشته باشد: مهربانی، بخشندگی و دادگری (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۷۵: ۲۳۲)».^۲

بر اساس منظومه فکری امام خامنه ای (مدظله العالی)، نه تنها حکمران اسلامی باید لحظه ای وجود فساد را بر نتابد و با هر نوع فساد اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... به شدت مقابله کند، بلکه گزینش و انتصاب مدیران باید مبتنی بر شاخص عدالت و به دور از هرگونه تبعیض، رابطه گرایی و خودرایی باشد. رعایت این اصل، شایسته سالاری را از شعار به الگویی اجرایی تبدیل می کند (ر.ک. بیانات ۱۳۸۴/۷/۱۷). معظم له در این باره می فرماید: «در رفتار انسان، عدل لازم است. برای حکمران، عدل لازم است. در موضعگیری، عدل لازم است. در اظهار محبت و نفرت، عدل لازم است. قرآن فرموده است: «و لا یجرمنکم شنان قوم علی آلا تعدلوا (مائده: ۸)؛ دشمنی با کسی موجب نشود که شما درباره او از عدالت کناره بگیرید و عدالت را رعایت نکنید؛ «اعدلوا هو اقرب للتقوی»؛ بنابراین عدل هم یکی از پایه های ایمان است. اگر عدل بود، ایمان می ماند (بیانات ۱۳۸۳/۸/۲۰)».

۶) صداقت و راستی

در نظام شایسته سالاری اسلامی، صداقت به عنوان شاخصی بنیادین و لازمه ضروری پذیرش هرگونه مسئولیت حکومتی شناخته می شود، به گونه ای که با افزایش حساسیت پست و موقعیت، ضرورت آن به صورت تصاعدی افزایش می یابد. این اصل که ریشه در تعالیم قرآنی و سیره اهل بیت (ع) دارد، در اندیشه امام خامنه ای (مدظله العالی) به عنوان ضابطه ای غیرقابل اغماض مطرح شده است. قرآن کریم با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ (توبه: ۱۱۹)، مؤمنان را به همراهی با صادقان فراخوانده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر بر این اصل تأکید می ورزد و می فرماید: «رفتار کارگزاران را بررسی کن، و ناظرانی راستگو و وفایه بر آنان بگمار (نهج البلاغه، نامه ۵۳)».^۳ در بیانی دیگر می فرماید: «خود را به اهل تقوا و اهل صداقت وابسته و نزدیک کن (همان)».^۴

امام خامنه ای (مدظله العالی) با استناد به این مبانی دینی، صداقت را «شرط اول» در گزینش مدیران می دانند و هشدار می دهند: «صدق و اخلاق شرط اول است. اگر در کسی صدق و اخلاق نبینیم، خیلی احتمال دارد که کار او به درد نخورد و یا در مواقعی مشکل درست کند» (بیانات ۱۳۶۸/۰۵/۱۰). ایشان در تشبیهی گویا، مدیر ناصداق اما کارآمد را به «ماشین معیوبی» تشبیه می کنند که ممکن است در حین عملکرد، آسیب های جبران ناپذیری به همراه داشته باشد (همان)

۱. «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۖ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ».

۲. «أَفْضَلُ الْمُلُوكِ مَنْ أُعْطِيَ ثَلَاثَ خَصَالٍ الرَّافَةُ وَالْجُودُ وَالْعَدْلُ».

۳. «ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ».

۴. «وَالصَّقَّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ».

این نگاه جامع که برگرفته از تعالیم ناب اسلامی است، نشان می‌دهد که در نظام حکمرانی دینی، صداقت نه یک فضیلت اخلاقی صرف، بلکه «سیاست حکومتی» و «پشتوانه اجرای عدالت» محسوب می‌شود و لذا جامعه‌ای که مدیران صادق داشته باشد، هیچگاه دچار بحران اعتماد نخواهد شد و این همان رمز ماندگاری نظام اسلامی است.

ج. شایستگی سیاسی-انقلابی

در تحلیل ساختار حکمرانی اسلامی، شایستگی‌های سیاسی و انقلابی به عنوان ستون فقرات نظام مدیریتی، ریشه در نص صریح قرآن کریم دارد. آیه شریفه «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)، نظام تصمیم‌گیری اسلامی را بر پایه دو رکن «مشورت جمعی» و «مسئولیت‌پذیری فردی» استوار می‌سازد. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با تبیین این مبانی قرآنی، انقلابی‌گری را نه به عنوان رویکردی احساسی، بلکه در قالب «عقلانیت مسئولانه» تحلیل می‌فرماید که همپای تخصص و اخلاق، شرط لازم حکمرانی صالح است. بر اساس اندیشه‌های معظم‌له مهم‌ترین شاخصه‌های کلیدی در این حوزه عبارتند از:

۱) مردم‌داری و پاسخگویی

در نظام حکمرانی اسلامی، مردمی‌بودن و پاسخگویی به عنوان سبکی جامع از حکمرانی شناخته می‌شود که هم در مبانی دینی ریشه دارد و هم در سیره عملی معصومین (ع) تجلی یافته است. این الگو که با آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹) مستند می‌شود، از طریق حضور فعال در میان مردم، شنیدن دقیق دغدغه‌های آنان و تبدیل این مطالبات به سیاست‌های اجرایی محقق می‌گردد.

تمایز بنیادین این نگاه با دموکراسی‌های لیبرال، در پیوند ناگسستنی میان «مردم‌داری» و «ولایت‌پذیری» نهفته است، همان‌گونه که در حکومت نبوی مدینه به روشنی قابل مشاهده بود. رهبر معظم انقلاب در بیانات متعدد خود بر اهمیت این شاخص تأکید کرده‌اند و آن را از ارکان اساسی تحقق عدالت، پیشرفت و کسب رضایت الهی و مردمی برشمرده‌اند. از منظر ایشان، مردمی‌بودن به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی دینی - در کنار عدالت و معنویت - مطرح است و شایستگی سیاسی را در دو بعد فردی شامل کارآمدی و تخصص، و اجتماعی مشتمل بر ارتباط با مردم و خدمت‌رسانی تعریف می‌نماید (ر.ک. ۱۳۸۲/۹/۲۵).

امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با تأکید بر این که کارگزار مردم‌دار خود را از مردم می‌داند، بر شنیدن صدای مردم و ارتباط با نخبگان (ر.ک. بیانات ۱۴۰۰/۵/۱۲)، گفتگوی صادقانه با مردم (ر.ک. همان)، مشارکت دادن مردم و توانمندسازی اقشار ضعیف (ر.ک. همان)، اهمیت به آراء، احساسات و عواطف مردم (ر.ک. بیانات ۱۳۸۷/۰۶/۱۹)، ملاک قرار دادن رضایت خدا بر رضایت مردم (ر.ک. همان)، حضور مستمر در میان توده‌ها برای درک واقعی شرایط زندگی آنان و اتخاذ تصمیماتی که منافع عمومی را بر مصالح گروه‌های خاص ترجیح دهد (ر.ک. بیانات ۱۳۹۸/۱۰/۳ و بیانات ۱۴۰۰/۵/۱۲)، پای می‌فشارند که منجر به خلق الگویی متوازن از حکمرانی می‌شود که در آن پیوند ناگسستنی بین خواست مردم و موازین شرعی ایجاد می‌شود.

این نگرش حکایت از آن دارد که در حکمرانی اسلامی، مردمی‌بودن و مسئولیت‌پذیری در قبال آحاد ملت نه یک ویژگی انتخابی، بلکه جوهره ذاتی و انفکاک‌ناپذیر سبک حکمرانی شایسته محسوب می‌شود که هم در سطح نظری ریشه در متون و منابع دینی دارد و هم در سطح عملی می‌بایست در رفتار و منش مسئولان نظام اسلامی تجسم یابد.

۲) جوان گرایی و باور به توانمندی جوانان

در منظومه فکری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، جوان بودن به خودی خود یک امتیاز راهبردی محسوب می‌شود، چرا که جوانان با برخورداری از انرژی، انعطاف‌پذیری و روحیه تحول‌طلبی، ظرفیت بی‌نظیری برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی دارند. با این حال، جوانی زمانی به شایستگی سیاسی-انقلابی تبدیل می‌شود که با سه ویژگی کلیدی همراه باشد: نخست ابتکار عمل و نوآوری در حل مسائل که ریشه در روحیه پویا و تحول‌خواه جوانان دارد (مستند به سیره پیامبر اکرم (ص) در انتصاب فرماندهان جوان مانند اسامه بن زید)؛ دوم سرعت عمل در اجرای مأموریت‌ها که ناشی از انرژی و انگیزه بالای جوانان است (همانند الگوی قرآنی اصحاب کهف که با سرعت به میدان عمل شتافتند)؛ و سوم مسئولیت‌پذیری توأم با تقوا که در بیانات رهبری با عبارت «جوانی که شایسته دانستیم» تأکید شده و یادآور معیار قرآنی «قَوِّیْ أَمِینٌ» (قصص: ۲۶) است. این سه شاخصه، جوانان انقلابی را به سربازان پیشرفت نظام تبدیل می‌کند که همزمان از «تعهد ایدئولوژیک» و «کارآمدی مدیریتی» برخوردارند و می‌توانند توازنی پایدار بین «انقلابی‌گری» و «تدبیر عملی» ایجاد نمایند (ر.ک. بیانات، ۱۳۷۹/۲/۱).

لذا رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) ضمن ایجاد پیوندی راهبردی به آینده، به جوان‌سازی در ساختار مدیریتی کشور نگاه و تأکید ویژه داشته و آن را عاملی کلیدی برای زدودن احساس انسداد از فضای اجتماعی می‌داند: «این کار، هم احساس انسداد را در کشور از بین می‌برد و وقتی که جوان‌ها ببینند می‌توانند وارد میدان کار بشوند و حرکت کنند و تصمیم‌گیری کنند، در کشور احساس انسداد به وجود نمی‌آید» (بیانات ۱۴۰۰/۶/۶).

۳) روحیه جهادی و تحول‌آفرینی

در حکمرانی اسلامی، شایستگی مدیران صرفاً به دانش تخصصی و مهارت‌های فنی محدود نمی‌شود، بلکه برخورداری از روحیه جهادی و انگیزه والای خدمت‌رسانی به عنوان عنصری حیاتی در کارآمدی نظام مدیریتی محسوب می‌گردد. این ویژگی که ریشه در آموزه‌های قرآنی و سیره ائمه اطهار (ع) دارد، در اندیشه امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به عنوان تمایز اصلی مدیران انقلابی با مدیران معرفی و مورد تأکید قرار گرفته است. بر اساس دیدگاه رهبر معظم انقلاب، جدی بودن در کار، آرام نداشتن برای کار، احساس مسئولیت برای اصل اقدام و کار و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته، بسیار مهم است (ر.ک. بیانات ۱۳۷۲/۵/۱۲). این نگاه نشان می‌دهد که در نظام ارزشی اسلام، پذیرش مسئولیت بدون التزام عملی به انجام بهینه آن، امری نامشروع تلقی می‌شود. ایشان با اشاره به تجربه چهار دهه مدیریت در نظام اسلامی تأکید می‌کنند که «هرجا یک مدیریت انقلابی فعال پُر تحرّک داشتیم، کار پیش رفته است؛ هرجا مدیریت‌های ضعیف، بی‌حال، ناامید، غیرانقلابی، و بی‌تحرّک داشتیم؛ کارها یا متوقّف مانده است، یا انحراف پیدا کرده است» (ر.ک. ۱۳۹۶/۱/۱).

نکته حائز اهمیت آنکه این روحیه جهادی نه یک صفت فردی، بلکه الزامی اجتماعی است؛ چنانکه ایشان تصریح می‌کنند: «گر مدیریت در بخش‌های مختلف کشور، متدین باشد، انقلابی باشد و کارآمد باشد، همه‌ی مشکلات کشور حل خواهد شد» (همان).

این نگرش که برگرفته از آموزه‌های قرآنی است، نشان می‌دهد که در نظام اسلامی، مدیر شایسته کسی است که با روحیه‌ای انقلابی، پرتحرک و امیدوار، همواره در پی ارتقای نظام مدیریتی و حل مشکلات کشور باشد.

۴) مسئولیت‌پذیری و تعهد

در حکمرانی اسلامی، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی صادقانه صرفاً یک الزام مدیریتی نیست، بلکه تکلیفی الهی و شرعی است که مستند به منابع اصیل دینی می‌باشد. قرآن کریم در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸) الگوی حکمرانی مشارکتی و پاسخگو را ترسیم نموده و در آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸) بر ضرورت ادای امانت حکومت تأکید فرموده است.

این آموزه‌های قرآنی در سنت معصومین(ع) نیز به تفصیل تبیین شده است. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ج ۳: ۱۳۰). امیرالمؤمنین(ع) نیز تصریح بر این اصل، دامنه مسئولیت را تا سرحد مسئولیت در قبال حیوانات و طبیعت گسترش داده‌اند: «فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام خامنه‌ای(مدظله العالی) با استناد به این مبانی قرآنی و با الهام از سیره حکومتی پیشوایان دینی، پاسخگویی را از ارکان اساسی حکمرانی دینی می‌داند. از منظر معظم‌له کارگزار دولت اسلامی باید همواره خود را در برابر خداوند، مردم و قانون پاسخگو بداند و هیچ‌گاه از پاسخگویی به افکار عمومی و نقد منصفانه گریزان نباشد: «مسئول نظام اسلامی باید همواره آماده پاسخگویی به مردم باشد، چرا که این هم حق مردم است و هم ضامن سلامت نظام» (بیانات ۱۳۸۳/۰۶/۰۴). همه ما باید جواب دهیم با چشم خود چه دیدیم؟ آیا دیدیم؟ آیا دقت کردیم؟ آیا خواستیم ببینیم؟ خواستیم بشنویم؟ خواستیم تصمیم بگیریم و عمل کنیم؟ این همان پاسخگویی است. فرمود: «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛ همه‌ی شما مسئولید. البته کسی که حیطه‌ی وسیعی از زندگی انسانها با قلم و زبان و تصمیم او تحت تأثیر قرار می‌گیرد، مسئولیتش به همان نسبت بیشتر است؛ لذا من گفتم مسئولان بلند پایه‌ی کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگوی کار خود، پاسخگوی تصمیم خود، پاسخگوی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخگویی است؛ این یک حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم (بیانات ۱۳۸۳/۱/۲۶).

در منظومه فکری امام خامنه‌ای(مدظله العالی)، مسئولیت در نظام اسلامی، یک امانت است (بیانات ۴/۳/۱۴۰۱)؛ امانتی که خداوند متعال به مسئولان داده و مردم به ایشان اعتماد کرده‌اند. لذا باید پاسخگوی این امانت بود و باید دانست که هر اقدامی، هر تصمیمی، هر کوتاهی و هر سهل‌انگاری، در پیشگاه خداوند و مردم مورد سؤال قرار خواهد گرفت. ایشان در توصیه به کارگزاران نظام اسلامی می‌فرماید: «نظام پاسخگویی را برای خودتان متحتم بدانید. واقعاً وزیر در حوزه کار خودش، مدیران وزارتی در حوزه کار خودشان، معاونان هر کدام در حوزه کار خودشان پاسخگو باشند. یعنی هم در برابر خطایی که انجام می‌گیرد، واقعاً پاسخگو باشند؛ هم در برابر کار لازمی که باید انجام می‌گرفته و انجام نمی‌گیرد، پاسخگو باشند» (بیانات، ۱۳۸۴/۶/۸).

۵. قانون‌گرایی و التزام به ضوابط

در دین مبین اسلام، رعایت حریم و حدود قانون، دارای پشتوانه بسیار قوی و اندیشه بنیادین است و در قرآن کریم، سخنان معصومین(ع) و سیره عملی این برگزیدگان موارد زیادی وجود دارد که بر این اصل و ضرورت آن دلالت می‌کند. قرآن کریم اطاعت و تسلیم در برابر قانون را از شرایط تحقق ایمان و صدق ادعای مدعیان آن بر می‌شمرد و

می‌فرماید: فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء: ۶۵)؛ به پروردگارت سوگند که آن‌ها مؤمن نخواهند بود، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری بطلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.

در احادیث و روایات نیز تصریح شده که رعایت قانون و پرهیز از هرگونه تبعیض در اجرای قانون از سوی حاکمان اساسی‌ترین چیزی است که یک حکومت باید آن را پاس بدارد (ر.ک. حرعاملی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۸: ۱۵۶). امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با اتکا به این مبانی قرآنی از جمله با استناد به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸)، قانونمداری را تجلی ادای امانت الهی می‌داند. ایشان در تبیین این مفهوم، بر دو بُعد اساسی تأکید می‌کنند: نخست قانونگرایی در تعامل با مردم که مستلزم نظارت دقیق و برخورد قاطع با تخلفات است، و دوم قانونگرایی درون‌سازمانی که اهمیت آن مضاعف است. معظم‌له تصریح می‌کنند: «ادای امانت به همین است که طبق مَرَّ قانون عمل شود» (بیانات، ۱۳۹۲/۲/۱۶). و «در درون سازمان‌ها، قانونگرایی باید بیش از هر جای دیگری جریان داشته باشد» (بیانات، ۱۳۹۴/۲/۶).

این دیدگاه جامع، نشان‌دهنده آن است که در حکمرانی اسلامی، قانونگرایی هم تکلیفی الهی است و هم ضامن سلامت نظام اجتماعی. از یکسو، ریشه در ایمان و تقوای فردی دارد و از سوی دیگر، به عنوان اصلی مدیریتی و حکومتی مورد توجه قرار می‌گیرد. چنین نگاهی، قانون را از سطح دستورالعمل‌های خشک اداری فراتر برده و آن را به عنصری زنده و پویا در اداره جامعه تبدیل می‌کند.

۵. الگوی اجرایی شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در سیاست‌های کلی نظام اداری، چارچوبی عملیاتی برای تحقق شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی ترسیم کرده‌اند. ایشان با تأکید بر ضرب‌الاجل‌دار بودن این سیاست‌ها، نهادهای اجرایی را موظف به ارائه برنامه‌های زمان‌بندی‌شده و گزارش‌دهی دوره‌ای کرده‌اند (ر.ک. ابلاغیه سیاست‌های کلی نظام اداری، ۱۳۸۹/۱/۳۱). این سیاست‌ها نشان می‌دهد که شایسته‌سالاری در اندیشه رهبری، صرفاً یک نظریه نیست، بلکه الگویی اجرایی با پشتوانه قانونی است.

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با الهام از آموزه‌های ناب علوی در نهج‌البلاغه و مستند به قرآن کریم، الگویی جامع و پویا از شایسته‌سالاری اسلامی را طراحی نموده‌اند که بر سه رکن اساسی استوار است: گزینش سخت‌گیرانه مبتنی بر تلفیق «صلاحیت اخلاقی» (الأمین) و «کارآمدی تخصصی» (القوی)، نظارت مستمر با مکانیزم عزل و نصب انعطاف‌پذیر مطابق سیره حکومتی امام علی (ع) در برخورد با کارگزاران (نهج‌البلاغه، نامه ۳)، و خوداصلاحی مدیریتی با آگاهی‌بخشی نسبت به خطاهای ادراکی ناشی از تعصبات شخصی یا جناحی. این الگو که از یکسو به معیارهای ثابت الهی پایبند است و از سوی دیگر ظرفیت پویایی (اصلاح، بازخوردگیری، به‌روزرسانی) دارد، پارادایم برتر حکمرانی اسلامی را در مقایسه با نظام‌های بوروکراتیک غربی - که عمدتاً در دام «فرمالیسم اداری» یا «سیاست‌زدگی» گرفتارند - به نمایش می‌گذارد. تأکید رهبری بر «نیت الهی در گزینش» و «عزل مصلحتی» به جای تنگ‌نظری‌های جناحی، تجلی عینی آیات «إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳) و «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)، در عرصه مدیریت اسلامی است.

نتیجه‌گیری

شایسته‌سالاری در حکمرانی اسلامی، به عنوان الگویی جامع و نظام‌مند که ریشه در آموزه‌های ناب قرآنی و سیره معصومین(ع) دارد، در اندیشه امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) به صورت نظریه‌ای کاربردی تبیین شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که شایسته‌سالاری اسلامی بر پنج پایه استوار است: قرآن کریم به عنوان چارچوب هنجاری و معیار سنجش، سیره معصومین(ع) به مثابه الگوی عملی، عقل سلیم به عنوان ابزار انطباق با مقتضیات زمان، فطرت انسانی به عنوان گرایش ذاتی به حق‌طلبی، و کرامت انسانی به عنوان محور ارزش‌گذاری. این مبانی، نظامی منسجم را شکل می‌دهند که در تقابل با الگوهای سکولار و رابطه‌محور قرار گرفته و توانایی پاسخگویی به نیازهای پیچیده حکمرانی در عصر حاضر را داراست.

در منظومه فکری امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، شایستگی در سه بُعد اساسی «صلاحیت علمی-تخصصی»، «تقوای عملی» و «انقلابی‌گری» تعریف می‌شود که تلفیق این ابعاد، الگویی متوازن از حکمرانی اسلامی ارائه می‌دهد. این الگو از یکسو با تحجرگرایی و تک‌بعدی‌نگری ارزشی مقابله می‌کند و از سوی دیگر در برابر سکولاریسم مدیریتی و جدایی دین از حکمرانی ایستادگی می‌نماید. نظام شایسته‌سالاری اسلامی برای تحقق عملی نیازمند مکانیزم‌های سخت‌گیرانه مبتنی بر تلفیق تخصص و تعهد، نظام نظارتی مستمر و ارزیابی دوره‌ای، و سازوکار خوداصلاحی و به‌روزرسانی شاخص‌هاست. الگوی پیشنهادی این پژوهش که از تلفیق «کارآمدی نظام‌مند» و «اصول‌گرایی ارزشی» شکل گرفته است، می‌تواند به عنوان چارچوبی نظری و عملی برای اصلاح نظام مدیریتی در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد. این الگو نه تنها به ارتقای کارآمدی نظام می‌انجامد، بلکه ضامن حفظ ارزش‌های انقلابی و تحقق آرمان‌های حکمرانی دینی خواهد بود. پیاده‌سازی این الگو مستلزم بازنگری در فرآیندهای گزینش مدیران، پرورش مدیران تراز انقلاب اسلامی با تلفیق سه بعد شایستگی، و توسعه پژوهش‌های کاربردی در سطوح مختلف مدیریتی است. در نهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که شایسته‌سالاری اسلامی زمانی به کمال خود می‌رسد که بتواند در عین حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، پاسخگوی نیازهای مدیریتی جامعه امروز باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ۱. ابن اثیر، عزالدین. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۹ق، ج ۳.
- ۲. حبی، محمدباقر. سیاست‌های ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری. تهران، راه دان، ۱۳۹۰.
- ۳. حرعاملی، محمدبن حسن. وسائل الشیعه. بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ق، ج ۱۸.
- ۴. خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات، قابل دسترسی در پایگاه <https://farsi.khamenei.ir>.
- ۵. خامنه‌ای، سیدعلی. تفسیر سوره براءت، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸.
- ۶. حکیمی، محمدرضا. الحیات، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰، ج ۱.
- ۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ج ۱۶.
- ۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله. شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۸۸.
- ۹. نیشابوری، مسلم‌بن حجاج. صحیح مسلم، بیروت، مؤسسه عزالدین، ۱۴۰۷ق، ج ۳.
- ۱۰. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه دهخدا. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۱. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.